



بیانات در دیدار مردم نجف آباد - 5 / اسفند / 1394

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

به همه‌ی برادران و خواهران عزیز نجف آبادی که حقیقتاً، بی‌ملاحظه و بی‌تعارف نمونه‌ای از مردان و زنان انقلابی، مؤمن، باوفا در تمام دورانه‌های انقلاب بوده‌اید و هستید خوشامد عرض میکنم، بخصوص به خانواده‌های معظم شهیدان و علمای محترم و اقشار مختلف عزیزی که تشریف دارید.

آنچه جناب آقای حسناتی درباره‌ی نجف آباد گفتند، به‌طور کامل مورد تصدیق و تأیید اینجانب است؛ بنده هم حقیقتاً شهادت میدهم که مردم نجف آباد امتیازی بر بسیاری از مناطق کشور دارند؛ در صداقتشان، در وفاداری‌شان، در سابقه‌شان نسبت به انقلاب. آن وقتی که مبارزات اسلامی و نهضت اسلامی در غربت بود، نجف آباد محل شکوفایی تفکرات این مبارزات بود. بنده در همان دوران - سالهای پیش از انقلاب - آمدم و از نزدیک نجف آباد را دیدم و شور مردم، شعور مردم، حضور مردم و فهمشان از مسائل انقلاب را؛ همه‌ی قشرها؛ نه فقط قشر جوان آن روز یا قشر روشنفکر آن روز؛ با بعضی افراد روستایی و عامی هم انسان وقتی در [باره‌ی] مسائل انقلاب حرف میزد، میدید روشندان، آگاهند، پایبندند. رحمت خدا بر آن کسانی که در این راه زحمت کشیدند، تلاش کردند، مردم را آگاه کردند.

و انقلاب که پیروز شد، نجف آباد باز هم در صفوف مقدّم قرار داشت. اشاره کردند به لشکر نجف، شهید کاظمی (۲) و دیگر شهدای این لشکر؛ آن فرماندهان صادق، مؤمن، وفادار، غیور، کارآمد. بنده رفتم لشکر را در منطقه‌ی عملیاتی در خود جبهه بازدید کردم - بیش از یک بار - نشانه‌های همین خصوصیات بارز را انسان در آنجا هم میدید. ایستادگی کردید، صدق و وفا به خرج دادید، شهید دادید، جانباز دادید؛ اجر شما پیش خداوند محفوظ است؛ نام شما در لوحه‌ی زرین تاریخ انقلاب درخشنده است. راه را باید ادامه بدهید؛ هنوز به آخر منزل نرسیده‌ایم؛ باید همچنان پیش برویم، باید همچنان تلاش کنیم، باید همچنان جهاد کنیم؛ میدانها تفاوت کرده است اما اصل جهاد برقرار است. اگر بتوانیم این امانت را به نسل بعد تحویل بدهیم وظیفه‌مان را انجام داده‌ایم. بحمدالله جوانهای شما فعالند، پُرتلاشند، آگاهند؛ کشور هم مال جوانها است. امیدواریم ان شاءالله خداوند متعال برکات شهدای شما، بزرگان شما، علمای بزرگی را که این شهر تحویل داده است - چه آنهایی که در نجف آباد بودند، چه آنهایی که در اصفهان بودند، چه آنهایی که در مشهد بودند، چه آنهایی که در قم بودند، [یعنی] صادرات عالم و صادرات مجتهد از این شهر پُربركت - برای شما محفوظ بدارد و نتایج این برکات را در کل کشور ببینیم.

من اشاره‌ای هم بکنم به ایّام شهادت دُرْدانه‌ی اهل بیت، فاطمه‌ی زهرا، صدیقه‌ی طاهره (سلام الله علیها) که این روزها بنا بر روایت ۷۵ روز، ایّام شهادت آن بزرگوار است. امیرالمؤمنین این روزها با دل شکسته، با سینه‌ی پُر از غم، با عزیزه‌ی خود وداع میکند و ودیعه‌ی گرانبهای پیغمبر را به او برمیگرداند؛ دل امیرالمؤمنین پُر از غم است اما اراده‌ی او و همت او مطلقاً کاستی نگرفته است؛ این درس است برای من و شما. گاهی دل از غم ملامال میشود - از این قبیل قضایا در زندگی انسان هست؛ چه زندگی فردی، چه زندگی اجتماعی - اما عزم و اراده باید راسخ بماند، گام باید محکم برداشته بشود؛ غمهایی هست که کوه‌ها را میشکند، [ولی] انسان مؤمن را نمیتواند بشکند؛ راه را باید ادامه داد.



من امروز به مناسبت اینکه در آستانه‌ی انتخابات هستیم و انتخابات، بسیار مهم است، چند نکته را مایلم در باب انتخابات عرض بکنم.

نکته‌ی اوّل اهمّیت خود این انتخابات است؛ صرفاً این نیست که ما میرویم پای صندوق رأی و یک برگه‌ی رأیی به نام کسی و کسانی می‌اندازیم در صندوق؛ مسئله این است که انتخابات در کشور ما قد برافراشتن ملی است؛ ملت با انتخابات در مقابل دشمن سینه سپر میکند، عرض اندام میکند؛ اهمّیت انتخابات این است. وقتی دشمن مشاهده میکند که بعد از ۳۷ سال با این همه فشار، با این تحریمهای ظالمانه، با این تبلیغات غرض‌آلود و خباثت‌بار نتوانسته است مانع مردم از بیعت با نظام بشود، عظمت این انقلاب در چشم او هیبت پیدا میکند، ملت ایران عظمت پیدا میکند؛ انقلاب او عظمت پیدا میکند؛ انتخابات این است. انتخابات به معنای حمایت از عزّت ملی و استقلال ملی و به معنای ایستادگی ملت ایران است. ببینید، الان آقای حسّانای وفاداری و ایستادگی مردم نجف‌آباد گفتند؛ هم شما در دلتان احساس افتخار کردید، هم این حقیر در دلم احساس افتخار کردم؛ وقتی که وفاداری یک مجموعه و ایستادگی و قدرت عزم و اراده‌ی آنها ظاهر میشود، هر بیننده‌ای، هر شنونده‌ای احساس افتخار میکند؛ انتخابات، نشان دادن وفاداری ملت ایران است. یک ملت قریب به هشتاد میلیونی در این میدان پُر از دشمن، میدان مین، میدان مقابله‌ها و مبارزه‌های غرض‌آلود و خباثت‌آلود این جور شجاعانه، این جور دلیرانه حضور خودش را اعلام میکند؛ انتخابات این است. ببینید چقدر مهم است! هر که به عزّت ایران اسلامی علاقه‌مند است، در این انتخابات باید شرکت کند و میکند؛ حالا ان شاء الله خواهید دید. دنیا روز جمعه خواهد دید که مردم ایران چطور مشتاقانه به سمت انجام وظیفه و احقاق حق - که هم وظیفه است، هم حق است - حرکت میکنند. به نظر من این نکته مهم‌ترین نکته‌ای است که در باب انتخابات باید گفت و بنده مکرراً عرض کرده‌ام و عرض میکنم؛ اصل انتخابات.

نکته‌ی دوّم این است که همچنان که ما ملت ایران در مقابل این انتخابات و در مقابل انتخابات‌ها در طول این ۳۷ سال حسّاس بودیم، بدخواهان ملت ایران هم همین جور حسّاس بودند؛ آنها هم با ترفندهای مختلف میخواستند یک ایرادی بر این انتخابات‌ها وارد کنند؛ انواع و اقسام ترفندها: یک مدّتی سعی میکردند بگویند انتخابات دروغ است، اصلاً انتخابات در ایران نیست؛ که خب، جلوی چشم همه، انتخابات بود؛ تبلیغات آن سالهای اوّل این جوری بود. یک مدّتی سعی کردند که با تبلیغات، صریحاً مردم را از رفتن پای صندوق بازدارند؛ حتی در یک دوره‌ای از انتخابات، رئیس‌جمهور آمریکا دو سه روز به انتخابات، صریحاً خطاب به ملت ایران گفت نروید رأی بدهید! مردم چه کار کردند؟ لج کردند، آن دفعه بیشتر از همیشه رأی دادند؛ این هم یک ترفند بود که مردم را با انواع حیَل و با تبلیغات مختلف، از رفتن پای صندوق بازدارند. یک ترفند دیگر این بود که به مردم تفهیم بکنند که انتخاب شما فایده‌ای ندارد؛ شما اسم زید را مینویسید، اسم عمرو درمی‌آید؛ اینها را میگفتند، یادتان هست؛ حالا شاید جوان‌ترها یادشان نباشد، ندیده باشند آن روزها را، اما اغلب یادشان هست؛ این را به صورت شعار درمی‌آوردند و میگفتند؛ متأسّفانه یک عده غافل هم در داخل کشور با آنها هم‌نوایی میکردند؛ یک مدّتی هم این جوری میگفتند. هیچ کدام از اینها فایده نکرد؛ این ترفندها نتوانست مردم را سست کند؛ فهم مردم و درک مردم از اهمّیت قضیه را نتوانست تحت‌الشّعاع قرار بدهد؛ حالا راه‌های دیگری را هم دارند تجربه میکنند. البته دولتمردان آمریکایی به تجربه دریافته‌اند که باید اظهارنظر نکنند؛ هرچه اظهارنظر کنند، مردم عکسش عمل میکنند، لذا این دفعه آنها ساکتند؛ دولتمردهای آمریکایی سکوت کرده‌اند، از ترس، هیچ حرف نمیزنند که نبادا یک چیزی بگویند، مردم عکسش عمل کنند، اما ریزه‌خواران خوان استکبار که رفته‌اند آنجا و شده‌اند نان‌خور دولت آمریکا و دولت انگلیس، اینها مشغولند؛ در رادیوها، در رسانه‌های گوناگون، رسانه‌های دنیای مجازی و اینترنت و امثال اینها شب و روز مشغولند. یکی از



کارها این است که نظرسنجی‌های دروغین پخش کنند و از این نظرسنجی‌ها نتیجه بگیرند که مردم علاقه‌ای به انتخابات ندارند.

یکی از این ترفندهایی که اخیراً یاد گرفته‌اند و دارند اعمال میکنند، ایجاد دوقطبی‌های کاذب است؛ دوقطبی‌های دروغین. این نکته، نکته‌ی مهمی است؛ من یک قدری درباره‌ی این بیشتر صحبت کنم با شما برادران و خواهران عزیز: دوقطبی دروغین.

خب، انتخابات مسابقه است؛ معلوم است در مسابقه همه تلاش میکنند برنده بشوند، همه تلاش میکنند جلو بیفتند؛ طبیعت مسابقه، شور و نشاط و دوندگی و مانند اینها است؛ انتخابات مسابقه است؛ یکی جلو می‌افتد، یکی عقب میماند؛ این دشمنی نیست، این عناد نیست، این دوقطبی شدن نیست. مرتباً در رادیوها و در تلویزیون‌ها و در رسانه‌های گوناگونشان خبر از دوقطبی شدن ملت ایران - یعنی دودستگی‌ای که با همدیگر دشمنند و علیه هم تلاش میکنند - میدهند. بله، در ایران اسلامی یک دوقطبی‌ای وجود دارد؛ دوقطبی انقلاب و استکبار. آن کسانی که تفاله‌های بازمانده‌ی از دوران غلبه‌ی استکبارند و هرکسی که دنبال آنها است، همفکر آنها است، بله، اینها با انقلاب بدند؛ این دوقطبی هست اما قاطبه‌ی ملت ایران، قاطبه‌ی انقلابی، علاقه‌مند به نظام اسلامی، عاشق امام و خاطرات امام - آنهایی که امام را حتی یک لحظه هم ندیدند و بعد از رحلت امام به دنیا آمدند - و فرمایشات امام، صدای امام، توصیه‌های امام و اصولی که امام پایه‌گذاری کرده [هستند]؛ قاطبه‌ی ملت ایران به اینها علاقه‌مندند؛ بله، [بین] آن کسانی که به امام علاقه‌مندند، به انقلاب علاقه‌مندند، با کسانی که اصل انقلاب را قبول ندارند، اصل نظام را قبول ندارند، البته یک دوقطبی این‌جوری هست. من البته به آنهایی که حتی نظام را هم قبول ندارند، گفتم ایران را که قبول دارید؛ [پس] برای عزت ایران بیایید؛ حالا بعضی گوش میکنند و بعضی هم گوش نمیکنند.

الان در این انتخابات، دو قطبی القا میکنند؛ دوقطبی‌های القائی؛ اصلش آنجا است، اینجا هم گاهی تکرار میشود؛ اما کسانی که اطلاع دارند از تبلیغات بیگانه، گوش میکنند، خبر میشوند، میدانند که این مال آنها است. دوقطبی مجلس دولتی و مجلس ضدّ دولتی؛ کأته در ایران یک عده طرف‌دار مجلس دولتی‌اند، یک عده طرف‌دار مجلس ضدّ دولتی‌اند؛ نه، ملت ایران نه مجلس دولتی میخواهند، نه مجلس ضدّ دولتی میخواهند؛ ملت ایران مجلسی میخواهند که به وظایف خودش آشنا باشد؛ بداند که چه بر عهده‌ی او است در قانون اساسی؛ متعهد باشد، متدین باشد، شجاع باشد، مرعوب آمریکا نباشد؛ علاقه‌مند واقعی به پیشرفت کشور باشد، پیشرفت کشور را در تربیت علمی جوانان با استعداد این کشور و این ملت بداند. این‌جور مجلسی را میخواهند؛ مجلسی که درد مردم را بشناسد، درد کشور را بشناسد، درصدد درمان و علاج آن دردها باشد - قانون‌گذاری یعنی این - مردم این‌جور مجلسی را میخواهند. مجلس دولتی و مجلس ضدّ دولتی یعنی چه! اینها دوقطبی‌های کاذب است. شما با یک‌یک ملت ایران تماس بگیرید و بگویید آیا شما مجلسی میخواهید که دردهای کشور را، مشکلات کشور را، مشکلات مردم را بشناسد و بخواهد آن را حل کند یا مجلسی که طرف‌دار زید یا عمرو باشد. جواب چیست از طرف مردم؟ معلوم است که مردم آن اولی را میخواهند؛ برای مردم این مهم است؛ مجلس متدین، مجلس متعهد، مجلس شجاع، مجلس فریب‌نخور که فریب ترفند دشمن را نخورد؛ مجلسی که به عزت ملّی و استقلال ملّی اهمّیت بدهد و عزت ملّی را پایمال نکند، استقلال ملّی را پایمال نکند؛ بایستد در مقابل طمع‌ورزی و زیاده‌خواهی استکبار، در مقابل طمع‌ورزی قدرتهایی که دستشان از ایران کوتاه شده و دارند تلاش میکنند که دوباره برگردند و زمام قدرت را در این کشور در دست بگیرند؛ این‌جور مجلسی. مسئله‌ی اقتصاد درون‌زا را ما مطرح کردیم؛ مردم مجلسی میخواهند که برای



اقتصاد درون‌زا، به معنای واقعی کلمه وقت‌گذاری کند، ریل‌گذاری کند و دولت موظف بشود بر اساس این حرکت بکند؛ آنچه مردم می‌خواهند اینها است.

یک نکته‌ی دیگر این است که بنده از چندی پیش گفتم مراقب نفوذی‌ها باشید؛ بعضی‌ها بیخود، برآشفته شدند؛ برآشفته‌گی ندارد. آمریکایی‌ها برای بعد از دوران مذاکرات هسته‌ای، یک نقشه برای داخل ایران داشتند، یک نقشه برای منطقه. این برای ما روشن بود و روشن شد. نقشه برای ایران داشتند، هنوز هم دارند؛ نقشه برای منطقه داشتند، هنوز هم دارند؛ دارند تلاش هم میکنند؛ میدانند که در مقابل اهداف پلید آنها در منطقه چه کسی محکم ایستاده؛ این را هم میدانند و متوجه‌اند. خب، وقتی که دشمن برای داخل کشور برنامه دارد، چه کار میکند؟ از نفوذی استفاده میکند. معنای نفوذی این نیست که حتماً رفته باشد پول گرفته باشد برای اینکه بیاید در فلان دستگاه نفوذ کند و خودش هم بداند چه کار دارد میکند؛ نه، گاهی نفوذی، نفوذی است، خودش هم نمیداند! امام (رضوان‌الله‌علیه) فرمودند گاهی حرف دشمن با چند واسطه از دهان مردمان موجه شنیده میشود. امام هوشیار بود، امام مجرب بود. دشمن یک چیزی میگوید، یک چیزی میخواهد، این را با وسایل گوناگونی، با چند واسطه کاری میکند که از زبان فلان آدم موجه که نه پولی از دشمن گرفته، نه تعهدی به دشمن داده، بیرون بیاید. مگر ندیدیم اینها را؟ مگر تجربه نکردیم اینها را؟ در همین مجلس شورای اسلامی مگر ندیدیم که یک نماینده‌ای آمد نظام را متهم کرد به دروغ‌گویی! گفت ما ده سال است، سیزده سال است داریم به دنیا دروغ میگوییم، در تریبون مجلس شورای اسلامی! در این منبر عمومی! خب، او حرف دشمن را دارد میزند؛ دشمن به ما میگفت شما دروغ میگویید! حالا یکی از خود ما پیدا میشود میگوید نظام دارد دروغ میگوید! این نفوذی نیست؟ احياناً خودش هم خبر ندارد و نمیداند. مجلسی داشتیم که در حال مذاکرات گرم دشوار هسته‌ای در دورانی که رئیس‌جمهور محترم فعلی ما رئیس مذاکرات هسته‌ای بود و داشتند با زحمت، با شدت حرف میزدند، با طرفهای مقابل مجادله میکردند و درواقع مبارزه میکردند برای اینکه حرف ایران را سبز کنند، در مجلس طرح سه‌فوریتی آوردند برای اینکه حرف طرف مقابل سبز بشود! همان وقت رئیس هیئت مذاکره که رئیس‌جمهور محترم فعلی ما است، گلایه کرد و گفت ما داریم آنجا مبارزه میکنیم، اینجا آقایان دارند طرح به نفع دشمن طراحی میکنند؛ خب، اینها نفوذ است؛ اینها چیست؟ [مگر] نفوذ شاخ‌و‌دم دارد که بعضی تا گفته میشود نفوذ، برآشفته میشوند که آقا، گفتید نفوذ، گفتید نفوذ؟ بله، باید مراقب بود. خب، پس دشمن در فکر نفوذ است؛ چه کسی باید مراقب بکند؟ هم مردم باید آگاهانه مراقبت بکنند، هم مسئولان، سیاسیون، شخصیت‌های سیاسی؛ آنها بیشتر لازم است مراقب باشند. مراقبت کنند آنچه میدانند خواست دشمن است انجام نگیرد. وقتی می‌بینید که دشمن یک حرفی میزند برای ایجاد دودستگی [مثلاً] از شما تعریف میکند، این میخواهد ایجاد تردید بکند؛ خب دشمن که دوست شما نیست، وقتی شما می‌بینید که دشمن یک چنین ترفندی را دارد به کار میبرد، بلافاصله و بی‌درنگ ابراز بی‌زاری کنید، بگویید نخواستیم. شما که می‌گویید دشمن با این کار قصد تفرقه‌افکنی دارد، خب نگذارید ذهن مردم مردد شود. این چیزها را باید توجه داشت. برمیگردیم به فرمایشات امام؛ امام میگفتند آن وقتی که دشمن از شما تعریف کرد، در رفتار خودتان و کارهای خودتان تردید پیدا کنید و مراجعه کنید ببینید چه اشتباهی کرده‌اید که دشمن خوشش آمده و از شما تعریف میکند. دستورالعمل انقلاب اینها است، این جور باید عمل کرد، این جور باید پیش رفت؛ نباید غفلت کرد. اداره‌ی کشور کار آسانی نیست؛ پیش بردن یک ملت به این بزرگی، با این عظمت و با این رشادت کار یک‌دوزه دودزه نیست؛ باید مواظب بود، باید مراقب بود، باید با چشم باز حرکت کرد، باید با عزم راسخ در مقابل دشمن حرکت کرد. این هم یک نکته‌ی مهمی است که عرض کردم.

یک نکته‌ی دیگر این است که ما از ادبیات سیاسی دشمن استفاده نکنیم؛ من این مسئله را، بخصوص به دوستان و

برادران محترم خودمان در مشاغل گوناگون سیاسی و دولتی و غیر دولتی و مانند اینها تأکید میکنم؛ از ادبیات دشمن استفاده نکنید. دشمنان انقلاب از روز اول آمدند تعبیر ادبیات تندرو و میانه‌رو را مطرح کردند؛ فلانی تندرو است، فلان جریان تندرو است، فلان جریان میانه‌رو است. آن روز، از همه تندروتر هم از نظر آنها امام بزرگوار بود؛ امروز هم از همه تندروتر، به نظر آنها این بنده‌ی حقیر هستم. میانه‌رو حرف قشنگی است اما اسلام این جور حرف نمیزند؛ بفهمیم معارف اسلامی را. اسلام، طرف‌دار میانه و طرف‌دار «وسط» است: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» (۳) اما «وسط» در اسلام چیست؟ در مقابل تندرو است؟ نه، «وسط» در مقابل منحرف است: «الْيَمِينُ وَالشِّمَالُ مَضَلَّةٌ وَ الطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ»؛ (۴) این نهج‌البلاغه است. راه میانه یعنی راه مستقیم، راه جاده. اگر از این راه مستقیم منحرف شدید - چه به این طرف و چه به آن طرف - این غیر میانه است. پس در مقابل میانه‌رو تندرو نیست؛ در مقابل میانه‌رو منحرف است. آن کسی میانه‌رو نیست که منحرف از راه و منحرف از جاده است؛ اما در جاده، بعضی‌ها تندتر میروند و بعضی‌ها کندتر میروند. تند رفتن در صراط مستقیم چیز بدی نیست؛ سابقوا إلى مغفرة من ربكم؛ (۵) جلوتر بروید. آنهایی که امروز در بیرون از مرزهای کشور میگویند تندرو، مقصودی دارند و معنایی مورد نظرشان است. دوستان ما و برادران ما در داخل مراقب باشند آنچه مقصود او است تکرار نکنند. آنهایی که میگویند تندرو، منظورشان کسانی است که در راه انقلاب مصمم‌تر و پایدارترند؛ حزب‌اللهی‌ها را میگویند تندرو. میانه‌رو [هم] کسی است که در مقابل آنها تسلیم باشد. در ادبیات سیاسی آمریکا و انگلیس و امثال اینها، معنای تندرو و میانه‌رو این است: تندرو کسی است که پایبند انقلاب است، میانه‌رو کسی است که در مقابل خواسته‌های آنها تسلیم است. حالا چه کسی در مقابل آنها تسلیم است؟ خوشبختانه خودشان هم اعتراف دارند و میگویند در ایران میانه‌رو نداریم، همه تندروند. این حرف درست است؛ در ملت ایران هیچ‌کس طرف‌دار وابستگی به اینها نیست. گاهی غفلت میشود، لغزش به وجود می‌آید و بعضی اشتباه میکنند، اما قاطبه‌ی ملت ایران طرف‌دار انقلابند، دنباله‌رو انقلابند و پافشاری بر انقلاب میکنند؛ آنها به این میگویند تندرو. چرا ما تکرار کنیم حرف آنها را؟ به داعش هم میگویند تندرو؛ داعش تندرو است؟ داعش منحرف است؛ منحرف از اسلام است، منحرف از قرآن است، منحرف از صراط مستقیم است. ما به این معنا تندرو نداریم. توجه کنند ادبیاتی که دشمن به کار میبرد و معنای خاصی را که در نظر دارد ما تکرار نکنیم.

من یک نکته‌ی دیگر هم عرض بکنم که نکته‌ی آخر باشد. برادران عزیز، خواهران عزیز، فرزندان عزیز من، جوانان! هرچه انتخاب کنید برای خودتان انتخاب کرده‌اید. انتخاب خوب شما به خود شما برمیگردد؛ اگر انتخاب با غفلت انجام بدهید که انتخاب بدی از آب دربیاید و از کار دربیاید، بدی‌اش به شما برمیگردد؛ خاصیت کار این است. با اختیار و با اراده دارید یک اقدامی را انجام میدهید، سعی کنید کار را درست انجام بدهید. اگر درست و با دقت انجام دادید، دو فایده میبیرید: اولاً خدای متعال از شما راضی میشود که کار را درست انجام داده‌اید؛ ثانیاً نتیجه‌ی کار به احتمال زیاد نتیجه‌ی درست خواهد بود. اگرچنانچه کار را با ملاحظه و با دقت انجام بدهیم، ممکن هم هست یک وقتی نتیجه خوب از آب درنیاید اما آن اجر اولی وجود دارد؛ وقتی کار را شما با دقت و با بصیرت انجام دادید، خدای متعال از شما قبول میکند، ولو یک اشتباهی هم انسان در اثنا کرده باشد؛ اما اگر بی‌دقت انجام دادید، نه؛ خدای متعال هم ناراضی میشود، احتمال مصادف شدن با حق هم کم میشود. انتخاب که میخواهید بکنید، بشناسید و انتخاب کنید؛ بشناسید. به دینشان، به تعهدشان، به وفاداری‌شان به انقلاب، به ایستادگی‌شان در راه انقلاب، به عزم و اراده‌شان، به شجاعتشان و به مرعوب نشدنشان خاطر جمع بشوید، [آن وقت] رأی بدهید؛ چه در انتخابات مجلس شورای اسلامی، چه در انتخابات مجلس خبرگان؛ فرقی نمیکند، هر دو مهم است، که من قبلاً درباره‌ی اهمیت هر دو صحبت کرده‌ام. آنجایی هم که نمی‌شناسید، نگوئید من نمی‌شناسم پس رأی نمیده‌م؛ نه،



بروید سراغ کسانی که به دین آنها، به تعهد آنها و به بصیرت آنها اطمینان دارید، از آنها سؤال کنید؛ این راه علاج است. بنابراین، راه روشن است، هدف روشن است، وظیفه و تکلیف روشن است، کار هم بزرگ است. و وقتی انسان کار بزرگ را و کار خدایی را درست انجام داد، *إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصَرْكُمْ*؛ (۶) وقتی شما در راه نصرت الهی قدم زدید، خدای متعال قطعاً شما را نصرت خواهد کرد. در آن صورت، نتیجه‌ی انتخابات نتیجه‌ای خواهد بود که ان شاء الله به نفع کشور است هرچه باشد. و بدانید من اعتقاد راسخ دارم با همه‌ی تلاشی که دشمن دارد می‌کند - که در این ۳۷ سال، دشمن دائماً تلاش کرده است - برای ضربه زدن به انقلاب، و انقلاب و کشور دائماً به‌رغم انف او (۷) پیش رفته است، بدانید بعد از این هم خدای متعال پیروزی نهایی را برای شما ملت ایران و برای این کشور مقدر فرموده است و ان شاء الله شما به نتیجه خواهید رسید و خدای متعال دشمنان شما را مغلوب خواهد کرد و به فضل الهی دشمن نخواهد توانست به این انقلاب و به این نظام اسلامی هیچ‌گونه ضربه‌ای وارد کند.

از خداوند متعال علو مقام شهیدان عزیز را و علو مقام امام بزرگوار را که این راه را در مقابل ما گشودند، مسئلت میکنیم و توفیقات ملت ایران را در همه‌ی مسائلشان، بخصوص در این مسئله‌ای که ان شاء الله دو روز بعد با آن مواجه هستند، از پروردگار عالم مسئلت میکنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

- (۱) در ابتدای این دیدار، حجّت الاسلام مصطفی حسنانی (امام جمعه‌ی نجف‌آباد) مطالبی بیان کرد.
- (۲) شهید احمد کاظمی (فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)
- (۳) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۴۳؛ «و بدین‌گونه شما را امتی میانه قرار دادیم...»
- (۴) نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۶
- (۵) سوره‌ی حدید، بخشی از آیه‌ی ۲۱؛ «[برای رسیدن] به آمرزشی از پروردگارتان، بر یکدیگر سبقت جوید...»
- (۶) سوره‌ی محمد، بخشی از آیه‌ی ۷
- (۷) برخلاف میل و خواسته‌ی او